



بازخوانی خاطره ملی صنعت نفت از زبان یک روزنامه‌نگار قدیمی

زمانی که 24 ساله بود و شش سال پس از ملی شدن صنعت نفت، به عرصه‌ی روزنامه‌نگاری وارد شد. او مؤسس خبرگزاری رادیو تلویزیون ملی (واحد خبر)، بنیانگذار نخستین خبرگزاری غیردولتی ایران (پرس‌ایجنت)...

زمانی که 24 ساله بود و شش سال پس از ملی شدن صنعت نفت، به عرصه‌ی روزنامه‌نگاری وارد شد. او مؤسس خبرگزاری رادیو تلویزیون ملی (واحد خبر)، بنیانگذار نخستین خبرگزاری غیردولتی ایران (پرس‌ایجنت)، دوبار سردبیر روزنامه‌ی اطلاعات، نخستین سردبیر روزنامه‌ی آیندگان، سردبیر خبرگزاری پارس و از مؤسسان سندیکای روزنامه‌نگاران ایران بوده است. تیترهای «شاه رفت» و «امام آمد» نیز در روزهای 26 دی و 12 بهمن 1357 و در دوران سردبیری او، تیر نخست روزنامه‌ی اطلاعات شدند.

غلامحسین صالحیار در سال 1380 در گفت‌وگویی با ایسنا، فضای قبل و بعد از ملی شدن صنعت نفت، مشکلات سر راه دولت مصدق و روزنامه‌های آن زمان را توصیف کرد. او در آذرماه سال 1382 درگذشت. حال به‌مناسبت سالگرد ملی شدن صنعت نفت (29 اسفندماه) گفت‌وگوی انجام‌شده با او را بازخوانی کرده‌ایم.

صالحیار 12 سال پیش، در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، نمایی کلی از نهضت ملی شدن صنعت نفت را ترسیم کرد و گفت: «از زمان انتخاب مشروطه در سال 1285 (شمسی) تاکنون هیچ دولتی در ایران نتوانسته در صنعت نفت یا هرگونه اقدام عملی، مانند دولت مصدق عمل کند. ایران اولین کشور در خاورمیانه بود که نفت خود را ملی کرد و این اقدام، پایه‌ای برای صنعتی کردن کشور شد. ملی کردن نفت، تنها جنبه‌ی اقتصادی نداشت، بلکه زیان بی‌سابقه‌ای به دولت انگلیس به عنوان صاحب نفت ایران وارد کرد. البته درآمد دولت از فروش نفت چندین برابر حق‌الامتیازی بود که انگلیس به ایران پرداخت می‌کرد. به این ترتیب، دولت مصدق می‌توانست علاوه بر تامین مخارج خود به بخش‌های صنعتی و کشاورزی کمک زیادی کند.»

او اظهار کرد: «ایران پیش از ملی کردن نفت، کشور فقیری بود که زیر فشار اقتصادی قرار داشت و در رشته‌های بازرگانی و کشاورزی عقب بود. هم‌چنین ایران در زمینه‌های هنری مانند موسیقی، تئاتر و سینما ... پیش از ملی کردن نفت، موفقیت چندانی نداشت ولی پس از جذب درآمد حاصل از فروش نفت در عرصه‌های فرهنگی هنری پیشرفت کرد. بنابراین زمینه برای ملی کردن صنعت نفت در جامعه فراهم بود و فعالیت‌هایی برای تشکیل احزاب و گروه‌های مختلف در کشور انجام می‌شد.» صالحیار هم‌چنین درباره‌ی نقش کشورهای خارجی در زمان شکل‌گیری صنعت ملی شدن نفت، تصریح کرد: «در آن دوران بخش اندکی از حاکمیت ایران در دست شوروی و بخش مهم‌تر دیگر در دست انگلیس بود. انگلیس که به تنهایی نمی‌توانست در مقابل نهضت ملی شدن صنعت نفت مقاومت کند، آمریکا را نیز با خود همراه کرد. البته روابط مصدق با آمریکا بد نبود. به همین دلیل پس از شکایت انگلیس به دادگاه لاهه مصدق که برای دفاع از ایران به هلند رفته بود، جهت جلب‌نظر آمریکا به این کشور هم رفت و در جلسات سازمان ملل متحد و شورای امنیت شرکت کرد ولی اقدامات مصدق در روابط ایران و آمریکا تأثیری نگذاشت.»

بزرگ‌ترین مشکل مصدق چه بود؟

او با اشاره به بزرگ‌ترین مشکل مصدق، بیان کرد: «مهم‌ترین مشکل مصدق، نظامی‌ها بودند و او برای جلوگیری از این مشکل از شاه خواست تا پست وزارت جنگ را به او بدهد. شاه در مقابل پیشنهاد مصدق او را کنار گذاشت و قوام‌السلطنه را مامور تشکیل کابینه کرد ولی این عمل با عکس‌العمل شدید مردم روبه‌رو شد و شاه پس از چند روز زد و خورد خیابانی که عده‌ای از مردم هم در آن شهید شدند، مجبور شد قوام‌السلطنه را کنار بگذارد و مصدق بار دیگر نخست‌وزیر شد.»

صالحیار یادآوری کرد: «مصدق در سال‌های 1324 یا 1325 طرح را به مجلس داد که بر اساس آن دولت اجازه نداشت امتیاز نفت ایران را به کشورهای دیگر واگذار کند. تصویب این طرح در مجلس، پایه‌های نهضت ملی شدن نفت را شکل داد. مصدق با تشکیل جبهه‌ی ملی برای ملی شدن نفت تلاش کرد. از سوی دیگر، کاشانی که در ابتدای نهضت ملی شدن نفت با مصدق، بازاریان و گروهی از مردم در ارتباط بود، پس از ملی شدن نفت به ریاست مجلس هفدهم رسید که پس از یک سال از ریاست مجلس کناره‌گیری کرد و یکی از وکلا به نام دکتر معظمی که از یاران مصدق بود به جای او رییس مجلس شد. مصدق که از مجلس هفدهم راضی نبود، رفراندومی در کشور برگزار کرد. اکثریت مردم در این رفراندوم به انحلال مجلس رای دادند. بسیاری از نمایندگان مجلس هفدهم بودند که در مجلس با مصدق هم مشکل پیدا کردند. بنابراین مصدق برای خلاصی از مجلس هفدهم آن را منحل کرد.»

فضای حاکم بر مطبوعات در زمان مصدق چگونه بود؟

او فضای حاکم بر مطبوعات در آن مقطع را چنین تشریح کرد: «تعدادی از مطبوعات که طرفدار مصدق بودند، از ملی شدن نفت حمایت کردند. حزب توده نیز در ابتدای نهضت ملی در نشریات خود از ملی شدن صنعت نفت حمایت کرد ولی در واقع

می‌خواست تنها نفت جنوب ملی شود؛ چون با ملی شدن نفت شمال که روس‌ها می‌خواستند مخالف بودند. گروه‌های مخالف مصدق نیز نشریه داشتند و در روزنامه‌های خود تا اندازه‌ای به مصدق هتاک می‌کردند تا آنجا که مصدق در نامه‌ای به دادگستری تاکید کرد که با روزنامه‌نگاران به جرم مخالفت با او برخورد نکنند.»

صالحیار تصریح کرد: «حزب «زحمت‌کشان» روزنامه‌ای را به عنوان «شاهد» به مدیریت مظفر بقایی منتشر می‌کرد. این روزنامه در ابتدای دولت مصدق از او حمایت می‌کرد ولی پس از آن‌که کاشانی از مجلس رفت، برضد مصدق مطلب نوشت. «اطلاعات» و «کیهان» دو روزنامه‌ی بزرگ عصر بودند. عباس مسعودی مدیریت «اطلاعات» را بر عهده داشت. مسعودی که از زمان رضاشاه نماینده‌ی مجلس بود، با مصدق و نهضت ملی شدن نفت رابطه‌ی خوبی نداشت. البته تحریریه‌ی «اطلاعات» صد در صد با ملی شدن موافق بود. در نهایت، مسعودی مجبور شد پس از آن‌که مصدق وزارت جنگ را گرفت از ایران برود. فردی که پس از مسعودی سردبیر و مدیرمسئول اطلاعات شد مخالفتی با ملی شدن نفت نداشت. از سوی دیگر، کیهان که به مدیرمسئولی عبدالرحمن فرامرزی منتشر می‌شد از ابتدا با ملی شدن نفت مخالف نبود. مدیران «کیهان» و «اطلاعات» به حزب خاصی وابسته نبودند ولی از سلطنت طرفداری می‌کردند.

روزنامه‌ی «باختر امروز» نیز جرو نشریات طرفدار مصدق بود. این روزنامه پس از فراهم شدن مقدمات طرح ملی شدن نفت انتشار یافت. دکتر حسین فاطمی مدیر «باختر امروز» و تنها روزنامه‌نگاری بود که پس از کودتای 28 مرداد اعدام شد. البته کریم پورشیبازی که مدیر یک هفته‌نامه و با سلطنت مخالف بود نیز توقیف شد ولی گفتند او خودش را در زندان آتش زد. محمد مسعود نیز روزنامه‌نگاری بود که قبل از شکل‌گیری نهضت ملی شدن نفت به دلیل مخالفت با حزب توده توسط این حزب کشته شد.

حزب توده که پس از تیراندازی به شاه در سال 1327 منحل شده بود به شکل پنهانی روزنامه‌ی «مردم» را چاپ می‌کردند و بعد از آن «به سوی آینده» را منتشر کردند.

به‌جز حزب توده، یک حزب واقعی در دوران ملی شدن نفت فعال نبود. البته تعداد زیادی از گروه‌ها دسته‌بندی‌ها و جمعیت‌ها وجود داشت که نام خود را حزب گذاشته بودند. در زمان نخست‌وزیری مصدق افرادی مانند خلیل ملکی، انور خامه‌ای و جلال آل احمد که از حزب توده جدا شده بودند، نیروی سوم را ایجاد کردند.»